

[هل تعقب العام بضمير يرجع إلى بعض أفراده يوجب تخصيصه به أو لا 1](#_Toc103013666)

[بررسی جریان اصل عدم اسخدام 1](#_Toc103013667)

[خلاصه فرمایش مرحوم نائینی 1](#_Toc103013668)

[تقریب اشکال دوم مرحوم نائینی 2](#_Toc103013669)

[تعلیقه مرحوم خویی به اشکال دوم مرحوم نائینی 2](#_Toc103013670)

[دفاع از مرحوم نائینی 3](#_Toc103013671)

[بررسی فرمایش مرحوم نائینی از منظر استاد 3](#_Toc103013672)

[بررسی فرمایش اول مرحوم نائینی 3](#_Toc103013673)

[رد فرمایش مرحوم آخوند توسط استاد 4](#_Toc103013674)

[بررسی اشکال دوم مرحوم نائینی توسط استاد 4](#_Toc103013675)

**موضوع**: بررسی کلمات /تعقب عام به ضمیر /عام و خاص

# هل تعقب العام بضمير يرجع إلى بعض أفراده يوجب تخصيصه به أو لا

## بررسی جریان اصل عدم اسخدام

بحث در مورد اجرای اصل عدم استخدام در محل کلام بود. مرحوم نائینی به بیاناتی و مرحوم اخوند به بیانی منکر اجرای این اصل شدند. بیان اول مرحوم نائینی را نیاوردیم به خاطر این که اشاره به آن خواهیم کرد.

### خلاصه فرمایش مرحوم نائینی

ایشان فرمود اولا اصل عدم استخدام در مقام مجال ندارد چرا که اصل عدم استخدام اصل و و موضوع آن شک است و به خاطر این که ما در ضمیر شک نداریم جای اصل نیست. و این که کسی بگوید اصل عدم استخدام را در ضمیر جاری می­کنیم و لازمه آن که خاص بودن مرجع است را اثبات می­کنیم معنا ندارد. این مطلب با استصحاب نجاست متفاوت است.

این مطلب را اضافه می­کنیم: هر چند که لوازم اصول لفظیه حجیت دارد ولی در جایی است که در ملزوم جاری بشود و در محل کلام در ضمیر جاری نمی­شود تا لازمه آن اثبات شود.

ثانیا اگر هم بگوییم مع العلم بالمراد من الضمیر اصل عدم استخدام جاری می­شود در جایی است که استخدام از ناحیه عقد الوضع باشد.

این ثانیا مرحوم نائینی واقعا ظاهرش مفهوم نمی­شود. ما در جلسه قبل یک تلاشی برای تفهیم کردیم ولی باز هم به مفسر کلام مرحوم نائینی، مرحوم شیخ حسین حلی مراجعه کردیم و ایشان فرموده بود که مرحوم کاظمینی فلان نحوه تقریر کرده است و من این گونه تقریر می­کنیم. معلوم می­شود که مشکل وجود دارد.

### تقریب اشکال دوم مرحوم نائینی

ما یک بیانی مطرح می­کنیم و شاید فرمایش شیخ حسین حلی این باشد. بر فرض در جایی که مراد معلوم است اصل عدم استخدام جاری باشد موردی است که مرجع ضمیر که عقد الوضع است مردد باشد. یعنی موضوع قضیه روشن نیست و با اصل عدم استخدام آن را منقح می­کنیم. اگر موضوع قضیه ما که حکم اول را آورده اشکال داشته باشد جا دارد کسی بگوید با اصل عدم استخدام در ضمیر که اشکال ندارد رفع اجمال از جلمه اول می­شود مثل رأیت اسدا و ضربته که مراد از ضربته می­دانیم رجل شجاع است. در این جا اصل عدم استخدام مجال دارد و لازمه آن این است که عقد الوضع که مشکل داشت معلوم می­کند. اگر مراد از اسدا حیوان مفترس باشد استخدام رخ داده است و استخدام در ناحیه عقد الوضع است.

ولی نسبت به محل کلام در عقد الوضع قضیه ما مشکلی نداریم مانند المطلقات و بعولتهن که معلوم است مراد عموم است. اشکال در احق بردهن است که مختص به رجعیات است. موضوع قضیه که اشکالی ندارد و در این جا جاری کردن اصل عدم استخدام نیست. اشکال در محمول است و ربطی به موضوع ندارد. در حقیقت این گونه می­شود بعولتهن یعنی بعوله همه مطلقات، احق بردهن یعنی اذا کن رجعیات.

مرحوم نائینی یک مطلب در کلامش اضافه کرده و گفته است: ما رجعیات را از هنّ استفاده نمی­کنیم و به رجعیات رجوع نمی­کند بلکه رجعیات به وسیله دال دیگری است و دال دیگر در این جا خود عقد الحمل است.

#### تعلیقه مرحوم خویی به اشکال دوم مرحوم نائینی

مرحوم خویی فرموده است عقد الحمل که دال نیست. ایشان تا این جا قبول کرده است که بعوله همه مطلقات است. اگر ما بودیم و احق بردهن، این آیه شریفه عموم داشت و شامل رجعیات و بائنات می­شد. ما دلیل منفصل داریم که ذیل مختص به رجعیات است. لذا مرحوم خویی در نهایت می­گوید این آیه شریفه از محل بحث خارج است.

##### دفاع از مرحوم نائینی

ولی ممکن است کسی از مرحوم نائینی دفاع کند که دفاع هم کرده اند که از خود همین احق بردهن ما می­توانیم به دست بیاوریم که مراد رجعیات است زیرا وقتی که آیه می­فرماید بعولتهن احق بردهن؛ پس قابلیت رد را دارند که احق شده اند لذا این گروه خصوص رجعیات هستند.

حالا مهم نیست مهم این است که مرحوم نائینی می­گوید مجالی برای اصل عدم استخدام نیست هر چند که ما اصل عدم استخدام را در رأیت اسدا و ضربته را بپذیریم. حالا عقد الحمل دال هست یا نیست مهم نیست.

### بررسی فرمایش مرحوم نائینی از منظر استاد

به نظر ما فرمایش اول مرحوم نائینی ناتمام و دومی هم علی المبنا است.

#### بررسی فرمایش اول مرحوم نائینی

این که مرحوم نائینی در ذهن مبارکش این است که اصل عدم استخدام معنایش این است که مراد از ضمیر خصوص رجعیات است، اشتباه است. اصل عدم استخدام نمی­خواهد مراد از ضمیر را بیان کند تا بگویید ما در ضمیر شک نداریم. این نکته در کلمات مرحوم خویی هم هست. اصل عدم استخدام می­خواهد تکلیف مرجع ضمیر را معین کند. وقتی که می­گوییم رأیت اسدا و ضربته و شک داریم که ضربته به حیوان مفترس یا رجل شجاع برمی­گردد اگر اصل عدم استخدام باشد همان مرجع ضمیر را بیان می­کند و متعلق ضرب همان متعلق رویت است. اگر اصل عدم استخدام در هن بعوله است معنایش این است که ضمیر به تمام مرجعش رجوع کرده است و مرجع فقط رجعیات است.

اساسا اصل عدم استخدام برای تعیین مرجع ضمیر است و اول مرجع را معلوم می­کند و بعد خودش هم معین می­شود لذا وقتی که شک کردیم که هن به بعضی از مطلقات رجوع می­کند از باب استخدام و یا این که به مطلّقات رجعیات رجوع می­کند از باب عدم استخدام، اگر گفتیم اصل عدم استخدام است یعنی مرجعش مثل خودش است. این که مرحوم نائینی این را ملزوم و آن را لازم قرار داده است و بعد گفت ما در ملزوم شک نداریم صحیح نیست اصلا معنایش لازمه و ملزوم نیست. اجرای اصل عدم استخدام برای تعیین مرجع ضمیر است.

اصل عدم استخدام یک اصل عقلائی است و این که از مرجع یک چیز و از خود ضمیر چیزی دیگری فهمیده شود عقلائیت ندارد. پس این که در کلام اول مرحوم نائینی آمده بود: اصل عدم استخدام مجال ندارد به خاطر این که شک نداریم، صحیح نیست چرا که شک داریم.

#### رد فرمایش مرحوم آخوند توسط استاد

فرمایش مرحوم آخوند هم صحیح نیست. ایشان فرمود مراد از ضمیر را می­دانیم و شک در کیفیت اراده داریم که جای اصل نیست. در حقیقت ما مراد را نمی­دانیم ما اصل عدم استخدام را که جاری می­کنیم برای کشف مراد مولا است آیا مراد مولا از مطلقات عموم است پس استخدام رخ داده است یا این که مراد خصوص رجعیات است پس استخدامی رخ نداده است. اصل این است که استخدام به کار نرفته و معنای مطلقات خصوص رجعیات است.

شاهدش این است که همان طور که اصاله العموم تکلیف المطلقات را روشن می­کند اصل عدم استخدام هم این کار را می­کند. چگونه مرحوم آخوند می­فرماید اصل عدم استخدام مجال ندارد به خاطر این که شک در مجرا نداریم؟

#### بررسی اشکال دوم مرحوم نائینی توسط استاد

اما اشکال دومی که مرحوم نائینی فرموده است اولا مبتنی بر این است که ما در عامی که مراد جدی ضیق است قائل به مجازیت نشویم. این مطلب خودش یک بحثی داشت. اگر مراد جدی از عام خصوص بود آیا استعمال عام مجازی است یا حقیقی؟ این احتمال هست که استعمال مجازی باشد و علمای اول را در عدول استعمال کرده باشد.

در محل کلام نیز ممکن است کسی بگوید بعولتهن مخصوص به بعض است و اصل عدم استخدام می­گوید مطلقات را در خصوص رجعیات استعمال کرده است.

ثانیا (در ضمن کلمات مرحوم خویی هم این نکته هست) این مطالب لعب با الفاظ است. ما اگر جمود بر اصل عدم استخدام داشته باشیم و معنایش این باشد که ضمیر را در مقام استعمال به چه چیزی برگردانده است جمود بر لفظ است. اصل عدم استخدام یک معنای اوسعی دارد. یعنی اگر متکلمی کلامی که مشتمل بر عام و ضمیری را اصدار کرد، همانطور که ظاهر این است که مستعمل فیه عام و ضمیر یکی است همچنین مراد جدی هم ظاهرا یکی است. اصل عدم استخدام منحصر به مراد استعمالی نیست تا مرحوم نائینی بگوید در این جا مجال ندارد زیرا مطلقات در عموم و هن هم در عموم استعمال شده است و رجعیات به یک دال دیگری است.

ادعا این است که اگر متکلم عامی را بیان کند و بعد بگوید بعولتهن احق بردهن مراد جدی در مطلقات همه باشد ولی در بعولتهن بعضی باشد خلاف سیاق است. ظاهر این است که همان طور که مراد استعمالی مطلقات و بعولتهن واحد است مراد جدی هم واحد است. این که مراد جدی هن خصوص رجعیات باشد و مطلقات همه باشد خلاف مشی اهل محاوره است.

اگر اصل عدم استخدام منحصر به مقام استعمال بود مرحوم نائینی می­گفت برای این اصل مجالی نیست. چرا که مطلقات در همه و هن هم در رجعیات استعمال شده است اما اگر گفته شود اصل عدم استخدام یک روش تکلمی است که هم در مراد استعمالی و هم در مراد جدی جاری می­شود در مقام می­گوییم اگر مراد جدی از مطلقات همه و هن بعضی باشد خلاف است.

به عبارت دیگر، تخلف مرجع ضمیر با خود ضمیر در مراد جدی خلاف ظاهر است. لذا اگر مراد جدی مطلقات همه باشد و مراد جدی در بعولتهن بعض باشد، یک خلاف ظاهر است.

اصل عدم استخدام یعنی مخالفت ضمیر با مرجع ضمیر خلاف اصل است چه در مراد استعمالی و چه در مراد جدی. در تعلیقه اجود فرمایشات مرحوم خویی را ملاحظه کنید.